

## نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم

میثم ویسی\*<sup>۱</sup> و مجتبی فرهمند<sup>۲</sup>

۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، شهر کرد، ایران

۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، شهر کرد، ایران

\*نویسنده مسئول

### چکیده

تئوری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی بر یک مبنای ساده بنا شده است مبنی بر اینکه وقوع جرائم گوناگون تا حدودی از فرصت های موجود در محیط اطراف ناشی می شود. از این رو باید محیط فیزیکی را تغییر دهیم تا جرائم کمتری رخ دهد. یکی از انواع روش های پیشگیرانه مکانیکی از جرم، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی است که اولین بار جرم شناسان آمریکایی، سی. ری. جفری است در کتابی با همین عنوان ارائه شد. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، بر روش های حل مشکل جرم و ترس از وقوع جرم تأکید دارد. پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی بر تحلیل وقوع جرم در یک موقعیت و مکان تأکید دارد، لذا آن را چنین می توان تعریف نمود، طراحی کافی و درخور و مناسب و استفاده بهینه از محیط و فضای ساخته شده که موجب از بین رفتن یا کاهش فرصت های مجرمانه گردد و موجب ایجاد نگرانی و استرس برای ارتکاب جرم و بهبود یافتن سطح زندگی شود.

واژه های کلیدی: پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، نظارت، کنترل دسترسی، قلمرو گرایی، محیط ساخته شده،

سخت کردن آماج جرم، پیشگیری وضعی

<sup>1</sup> CPTED

## مقدمه

امروزه یکی از پیچیده ترین مسائل در اکثر کشورها نرخ بالای جرم و افزایش ناهنجاری های اجتماعی در آنهاست. بروز انواع جرم و ناهنجاری منجر به ایجاد حس نا امنی و تحمیل مشکلات مالی بر دوش جامعه، دولت و قوه قضاییه است. این مسئله لزوم اعمال سیاست های پیشگیری از جرم را بیش از پیش ضروری می سازد. بررسی ها نشان می دهد صرف تعقیب کیفری و مجازات مجرمین برای مبارزه با تبهکاری کافی نیست و به طور یقین تا عوامل جرم در جامعه وجود دارد مبارزه با جرم به عنوان معلول، علی رغم بودجه فراوان که در این زمینه صرف می شود فایده ای ندارد. آمارها نشان می دهد پیشگیری از طریق افزایش نیروهای پلیس-تدابیر امنیتی-صدور احکام و مجازات های شدید و ساختن زندانها از موفقیت لازم برخوردار نبوده است، لذا اینگونه مقابله با ارتکاب جرائم بدون در نظر گرفتن وضعیت مکانی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم در حال ارتکاب توسط بزهکار نتیجه مطلوبی را در پی نداشته است. این در حالی است نخستین گام مبارزه با بزهکاری از بین بردن عوامل جرم زا و یا حداقل کاهش اثرات آن می باشد. لذا می توان عوامل جرم زا را به دو دسته اصلی عوامل درونی (فردی) و عوامل بیرونی (محیطی و مکانی) طبقه بندی کرد. بی شک رابطه انسان با مکان یا بطور کلی محیط پیرامون وی، به وسیله مجموعه کنش های او نمود می یابد، هر انسان با توجه به سطح آگاهی، دانش و معلومات خود به دخل و تصرف دو محیط پرداخته و از طرفی این شرایط محیطی و مکانی است که حدود و نحوه عمل و شیوه رفتار های او را مشخص می سازد، تمامی اعمال مجرمانه دارای ظرف مکانی و زمانی خاص هستند، که آنها را از هم متمایز می سازد. بنابر این تفاوت در شرایط مکانی توزیع فضایی نابرابر جرائم را در پی دارد. آمار ارتکاب جرایم در محیط های مختلف نشان می دهد مجرمین در ارتکاب جرم اغلب دارای انتخاب منطقی بوده و به دنبال فرصت های مناسب و کم خطر برای ارتکاب جرم هستند، این امر نشان می دهد ضرورت شناخت محیط و مکان به عنوان یکی از عوامل موثر در ایجاد فرصت های جرم با تسهیل کننده آن می باشد، از این رو می توان با تغییر این شرایط و خلق محیط ها، فضاهای مقاوم در برابر جرم بطور موثر از میزان ناهنجاری های شهری کاست.

لذا محیط و جو محیطی از حیث زمانی و مکانی بر انسان تاثیر بسزایی دارد. ابن خلدون مردمان مناطق معتدل را کامل تر و هنرمند تر می داند (ابن خلدون، ۱۳۵۲، ۱۵۹) و منتسکیو معتقد است انسان هویت خویش را در محیط جستجو می کند و هویت محیط را هویت خویش می داند. (منتسکیو، ۴۰۷، ۱۳۶۲-۳۹۰) در کنار سایر نظریات مانند جرم شناسی وضعی که به دنبال از بین بردن زمینه ها و علل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بودند، نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط رشد کرد.

نظریه طراحی محیط بر این ادعا استوار است که می توان "با طراحی مناسب و کاربری موثر از محیط از ارتکاب جرم پیشگیری کرده و علاوه بر بهبود کیفیت محیط زندگی بر ترس ناشی از جرم غلبه کرد" (crowe, 2000, P46) بر اساس نظریه طراحی محیط، شرایط محیط کالبدی هم می تواند به ارتکاب جرم کمک کند و هم می تواند مانع وقوع آن شود. بدین ترتیب نظر طراحی محیط بطور معنا داری از راهکارهایی که توسط پلیس، دادگاه و نظام تربیتی دستگاه های قضایی به کار گرفته می شود متفاوت است. طراحی محیط عموماً از سه استراژی اساسی کنترل دسترسی طبیعی، نظارت طبیعی و تقویت منطقه ای استفاده می کند. در واقع مجموعه نظریه های طراحی محیط، پیشنهاد روش شناسی، برنامه ریزی و طراحی مجدد طبیعی است که بر آن اساس، معماران و شهر سازان می توانند مجال جرم و تبهکاری را کاهش دهند، و کیفیت زندگی را بهبود بخشند؛ از این جهت هدف آن پیشگیری از مساعد شدن مکان برای ارتکاب عمل مجرمانه است (ATLAS, 1999) اما هر چند عموماً هدف اصلی طراحی محیط تغییر محیط و طراحی محیط برای کاهش و آسیب های اجتماعی است اما در بردارنده نتایج دیگری نیز همچون کاهش ترس از جرم، افزایش کیفیت زیبا شناختی مکان و افزایش کیفیت زندگی شهروندان می باشد.

(clarb-, 1995p:8: crowe/1991:1/28-9/40)

## ۱. تعریف نظریه طراحی محیط:

نظریه طراحی محیط بر این ادعا استوار است که می توان با طراحی مناسب محل سکونت و کار افراد، از جرایم ارتكابی در محیط ساخته شده پیشگیری کرد. این فرایند "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط" نامیده می شود. این پیشگیری، شاخه ای از رهیافت های مکانیکی در پیشگیری از جرم است که بر این باور است مجرم ارتکاب به جرم را انتخاب می کند، جرم معلول

فرصت است، مجرم فردی عقلانی است و جرم انتخابی عقلانی است و تاثیر گذاشتن بر عوامل وضعی راحتتر از تغییر و مبارزه با ضعف های بشری و اصلاح شخصیت افراد است، در نتیجه راه حل مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم را کم کردن فرصت های مجرمانه می داند.

نظریه طراحی محیط را میتوان این گونه تعریف کرد: "طراحی مناسب و کاربری موثر از محیط و ساختمان که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می شود". به عبارت دیگر طراحی مناسب و استفاده درست از محیط می تواند علاوه بر پیشگیری از وقوع جرم، کیفیت زندگی را بهبود بخشد و ترس از جرم را کاهش می دهد (crow, 2000, p.46).

این مسئله همان گونه که اشاره شد مبنی بر مطالعاتی است که در اواسط قرن بیستم انجام شده بود (poyner, 1983, coleman, 1985. see; lynch, 1960).

در واقع نظریه CPTED بر این اندیشه مبتنی است که رفتار انسانی در محیط شهری تحت تاثیر محیطی قرار دارد. از آثار مثبت نظریه طراحی محیط می توان به بهبود کیفیت زندگی، تقویت حس تعلق به محیط در ساکنان، کاهش میزان جرایم و حتی افزایش قیمت خانه و زمین بر شمرد.

## ۲. پیشینه تاریخی نظریه طراحی محیط

به طور کلی سه رویکرد متفاوت تحت عنوان پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی وجود دارد. این اصطلاح اولین بار توسط جرم شناسی به نام سی. ری جفلی ابداع شد. و این مقوله را در کتابی در سال ۱۹۷۱ منتشر کرد، مورد بحث و بررسی قرار داده است. به نظر وی جامعه شناسان درباره دلایل اجتماعی جرم از جمله محرومیت نسبی و اثا خرده فرهنگی مبالغه زایدی کرده و هم عوامل بیولوژیکی و هم زیست محیطی موثر بر وقوع جرم را نادیده گرفته اند. او در ادامه چنین بیان می نماید:

۱. درباره لزوم تمرکز پیش گیری بر عوامل زیست شناختی جرم (مانند فشار به سر نوزاد در زمان زایمان که باعث صدمه به مغز و بزهکاری در کودکان می شود) و کاهش فرصت های زیست محیطی جرم می پردازد.

کتاب او با بی تفاوتی یا مخالفت عمده جرم شناسانی مواجه شد که جرم را عمدتاً با علل زیست شناختی تبیین می کردند. کتاب مذکور راهکارهای قابل توجهی در مورد کاهش فرصت های جرم ارائه نکرد اما پیروان او به ویژه تیم کرو (۱۹۹۱)، در حال حاضر مجموعه جامعی از دستورالعمل ها را برای کاهش فرصت های جرم در محیط مصنوعی برای هدایت پلیس و طراحان شهری و همچنین معماران ارائه کرده است. این رهنمودها توسط کرو و دیگران در جلسات متعدد علمی و آموزشی در سراسر ایالات متحده آمریکا تشریح و اشار یافت. این نظریه بعدها به نام پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی معروف شد، که کلمه اختصاری آنم به انگلیسی (cpted) است.

۲. دومین رویکرد تحت عنوان پیش گیری از جرم از طریق طراحی محیطی، رویکرد فضای قابل دفاع است. این نظریه توسط معماری به نام اسکار نیومن در سال ۱۹۷۲ مطرح شد. وی در کتابی که در همین زمینه و همزمان با کتاب سی ری جفلی منتشر کرد، از شکل منازل عمومی در آمریکا به شدت انتقاد کرد. نیومن میزان بالای جرم در فضاهای عمومی مربوط به منازل عمومی را به علت فرم و طراحی نامناسب آنها، بخصوص رشد چشمگیر انبوه سازی بدون توجه به مسئله تعاملات انسانی و روابط همسایگی در طراحی و معماری اینگونه مناز می دانست.

این وضعیت موجب گردید تا برای ساکنان این مجتمع ها اغلب تشخیص همسایگان و ساکنان بومی از افراد غیر و همچنین بزهکاران و مجرمان دشوار باشد. به عبارت دیگر کنترل های غیر رسمی در این محیط ها به شدت کاهش یافت و این مکان را برای بزهکاران فراهم آورد تا آنها با کمترین ترس از دستگیری مرتکب جرم شوند.

به همین سبب نیومن و برخی دیگر از معماران روشنفکر مانند ریچارد گاردنیر برای تغییر این شرایط و ارتقای ایمنی در ساخت و ساز واحدهای مسکونی راهکارهایی را در مورد نحوه طراحی آنها ارائه نمودند.

هدف اصلی نیومن و همکاران وی این بود که رفتار ساکنان این محیط ها را نسبت به اتفاقات اطراف و همچنین رفتار با دیگر ساکنان تغییر داده و انگیزه آنان را برای نظارت عمومی و حساسیت بیشتر به محیط عمومی اطراف ارتقا دهند.

جرم شناسان و دیگر دانشمندان علوم اجتماعی، نظریه نیومن و نتیجه گیری وی را با بی رحمی مورد انتقاد قرار داده و او را متهم به «جبرگرایی محیط» و نگاه سطحی به قلمرو بر اساس واقعیات بر گرفته از رفتار سایر حیوانات نمودند. در عین حال نظریات و دیدگاه‌های نیومن تاثیر چشم گیری بر روند طراحی محیط های مسکونی در مناطق مختلف جهان داشته است. در سالهای اخیر نیز، دولت فدرال آمریکا بار دیگر متوجه نیومن شده و به او ماموریت داد تا مجدداً نظریات خود را تکمیل و چاپ نموده و از عقاید خود دفاع کند (نیومن، ۱۹۹۶).

۳) سومین رویکرد طراحی محیطی، پیش گیری وضعی از جرم است که توسط بخش تحقیقات جرم شناسی دولت انگلستان در اواسط دهه ۱۹۷۰ مطرح گردیده است (می هو و همکاران، ۱۹۷۶؛ کلارک و می هو، ۱۹۸۰). این رویکرد بر خلاف دو رویکرد قبلی «پیش گیری از جرم از طریق طراحی محیطی» «فضای قابل دفاع» ، اصولاً نه به معماری فضاهای ساخته شده توجه داد و نه بر جرایم خیابانی نظیر سرقت و زور گیری تمرکز می کند. بلکه، این نظریه یک دیدگاه کلی مرتبط با کاهش فرصت ارتکاب هر جرمی اعم از هوا پیماری، کلاه برداری، مزاحمت تلفنی، خشونت در محیط های عمومی و یا خانوادگی و همچنین جرایم مرسوم خیابانی می باشد. بسیاری از تحقیقات صورت گرفته در مورد رابطه بین جرم و فرصت های محیطی تحت عنوان پیش گیری وضعی از جرم انجام شده اند و به همین ترتیب اکثر نظریات فعلی ارائه شده در خصوص «فرصت» که تحت عنوان پیش گیری از جرم از طریق طراحی محیطی ارائه شده اند، از پیش گیری وضعی الهام گرفته اند. همین امر باعث شده است که نظریه پیش گیری وضعی جایگاه ارزشمند و قابل توجهی در میان «جرم شناسان محیطی» پیدا کند.

حال این سوال مطرح می شود که اگر نظریه پیش گیری از جرم از طریق طراحی محیطی تا این اندازه در خور توجه است، پس چرا در ابتدا توسط جرم شناسان مردود اعلام شد و چه اتفاقی موجب تغییر این روند گردید؟ همانگونه که قبلاً اشاره شد، عیده های جفری و نیومن با عقاید بسیاری از جرم شناسان آمریکایی سازگار نبود. این انتقادات به همراه برخی نتایج نا امید کننده از تجارب به کار گیری نظریه پیش گیری از جرم از طریق طراحی محیطی، سبب شد که ایده های جفری و نیومن توسط افراد تحصیل کرده نادیده گرفته شوند. حتی دولت مرکزی آمریکا در یک دوه زمانی ۱۵ ساله (از آغاز دهه ۱۹۸۰ تا میانه دهه ۱۹۹۰) به ایده های آنان توجهی نکرد.

لذا تغییراتی حاصل شد که به موارد زیر انجامید

۱. شواهد بیشتری در خصوص نقش مهم فرصت در جرم بدست آمده است.
۲. نظریت جرم شناختی جدیدی مانند نظریه انتخاب عقلانی و فعالیت روز مره ارائه شده اند که نقش پرنگ تری برای عوامل جبری محیطی جرم قائل شدند
۳. شمار زیادی از مطالعات موردی منتشر شدند که حاکی از کاهش مورد ملاحظه جرم به دنبال انجام تغییرات محیطی بودند.
۴. جابه جایی مکانی، زمانی و ... جرایم که به عنوان نه نقطه ضعف نظریه پیش گیری محیطی تلقی می گردید کمتر از میزانی بوده که منتقدان ادعا می کرده اند.
- ۵) استراتژی های پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی :

ارکان و عناصر نظریه (طراحی محیط)

قلمرو گرایی (تعین قلمرو) - نظارت یا مراقبت - محافظت بیرونی - کنترل دسترسی - سخت کردن آماج جرم

#### ۱) قلمرو گرایی:

سطح امنیت یک مکان اعم از عمومی یا خصوصی به طور ملموسی به حس تعلق کاربران و شناخت آنها از مکان بستگی دارد، چون مردم به مناطقی که حس می کنند به آنها تعلق دارد، احترام می گذارد و از آنها محافظت می کنند (محمد نسل، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳). این مفهوم به طور کلی به «سرزمین» اشاره دارد به عنوان مثال صاحبان مغازه به احتما زیاد از تخریب در جلوی مغازشان جلوگیری می نمایند زیرا آنها این مناطق را به عنوان ملک شخصی خود در نظر می گیرند در حالی که در یک فضای تعریف نشده در بین ساختمان های بزرگ، کسی مداخله نمیکنند زیرا آنجا قلمرو هیچ کس نیست. اجزای طراحی شهری به

شدت روی قلمرو تاثیر می گذارند برای مثال ساختمان های مسکونی مرتفع و مجزا در یک فضای باز بزرگ یا ساختمان های تکراری محیط بی هویتی را ایجاد می نماید که مردم احساس تعلقی به آنجا ندارند. بنابر، این قلمرو باید در مراحل اولیه طراحی شهری بیشتر از مرحله طراحی جزئیات فضاهای عمومی، در نظر گرفته شود. فضاهای عمومی خارج از قواره یا فاقد هویت و شخصیت یا فاقد مرز روشن (فاقد مرز مشخص)، به عنوان قلمرو کسی درک نمی شوند. اینگونه فضاها در زمان استفاده متروک مانده و در زمان مراقبت نادیده گرفته می شوند. این موضوع باعث فقدان نظارت طبیعی و از دست رفتن آنها می گردد.

#### ۱-۱) تقویت حس مالکیت:

شخصیت فضاهای بیرونی (طرح، شکل و طرز عمل شان) به منظور افزایش احساس مسئولیت مدنی کاربران و محترم داشتن مکان، باید آنها احساس تعلق القاء نماید.

#### ۱-۲) تعریف محدوده بین فضاهای عمومی نیمه خصوصی و خصوصی:

فضای عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی باید به منظور استفاده درست و قانونی به طور واضح تعریف شوند و این امکان را به مردم بدهد که بدانند چه کسی مسئول است، تا بتوانند مشکلات احتمالی را به صورت موثری گزارش نمایند. مرز بندی ضرورتا نیاز به نرده کشی ندارد، نشانه نمادین نیز برای این هدف مفید هستند. و مسائلی مٹ توجه به گستره فضاهای عمومی و فضا با ید مورد توجه قرار بگیرد

#### ۲- نظارت:

اتخاذ روش های مختلف نظارت به موضوعات خاص بر گرفته از هر مکان بستگی دارد طراحی شهری به ناچار تاثیر قابل توجهی بر امکان سنجی و اثر بخشی روش های انتخابی دارد. نظارت طبیعی به نظارت غیر رسمی انسان یا فرایندهای خود جوش مشاهده دو جانبه بین کار بران اطلاق می شود. نظارت طبیعی همچنین شامل حرفه های خاص محلی یا نمایندگان است که در تماس مستقیم با سایر مردم هستند مانند: کارکنان خدمات عمومی، نمایندگان ساکنین (شامل سازمان اجتماعی، واسطه های ساکنین و غیره) یا بعضی مقامات مردمی (چهره های مذهبی و غیره). نظارت رسمی توسط پلیس بخش امنیت خصوصی یا به وسیله مدیران اماکن به صورت حرفه ای اعمال می شود مانند نگهبان یک میدان، یا نماینده سازمان بهزیستی که در نظارت انسانی (حتی اگر نظارت هدف اصلی هم نباشد)، ایفای نقش می کند. بعضی مواقع، سایر افراد به عنوان مثال سرپرست ساختمانی که وظیفه اصلی اش کاملا متفاوت است؛ به طور غیرمستقیم در نظارت طبیعی شرکت دارند، همه این نقش ها محیط اطراف خود را وادار به استفاده از مقررات، احترام به قوانین و تطبیق با قانون می نمایند. سایر روش ها از جمله حضور مستمر، گشت زنی پیاده یا دوچرخه یا خودرو و امثال آن نیز، کارکرد فوق را دارند.

نظارت فنی به مواد یا سیستم های استفاده شده برای نظارت و حفاظت فضای مربوط است. نظارت فنی در درجه اول از سیستم های ویدئویی استفاده می کند هرچند که سیستم های فنی به ابزارهای کنترل دسترسی یا حفاظت فنی مانند وسایل هشدار نیز مجهز هستند (محمد نسل؛ ۱۳۹۳، ص ۱۱۹).

#### ۲-۱) دوربین مدار بسته (CCTV):

یکی از اقسام نظارت مکانیکی، دوربین مدار بسته است. این فناوری جدید می تواند در صورتی که با مطالعه قبلی و توجه منطقی نصب شده باشد و با مداخله ی شایسته و به هنگام همراه باشد، عملکردی موفقیت آمیز داشته باشد (کوسن، ۱۳۸۴، صص ۲۳۹-۲۳). دوربین مدار بسته میتواند با افزایش خطر دستگیری مجرمان موجب پیشگیری از جرم شود. مجرمان در هنگام ارتکاب جرم به خطر دستگیری بیشتر از شدت مجازات فکر می کنند و چون دوربین مدار بسته این خطر را افزایش می دهد، نصب آن می تواند در پیشگیری از جرم موثر باشد (اما در جرایمی که مجرم در آن فاقد "عقلانیت" یا به قول بنتام "حساب گری" است و در مورد مجرمان مختل المشاعر، کودک و یا مجرمان مصمم که فاقد سنجش عقلانی هستند نصب دوربین مدار بسته کارایی بالایی نخواهد داشت. درباره میزان تاثیر و کارایی دوربین مدار بسته تحقیقات متعدد و متناقضی وجود دارد علاوه بر اینکه ارزیابی میزان تاثیر دوربین مدار بسته نیز کاری مشکل است.

**۳) کنترل دسترسی:**

به مسائلی چون مکان یابی مناسب ایستگاه های حمل و نقل، اصلاح مسیر های حمل و نقل تسهیل دسترسی به استراحتگاه های عمومی، تعیین مسیر های پیاده رو، تسهیل دسترسی معلولین، پیشبینی امکانات پارکینگ، کنترل یا محدود کردن فضاهای مشکل ساز، تامین امنیت و خدمات اضطراری در دسته کنترل دسترسی قابل بحث است.

**۴) سخت کردن آماج:**

هدف از سخت کردن آماج جلوگیری از فعالیت بزهکار بالقوه در فضاهایی که به عنوان فضاهای بحرانی یا آماج خاص جرم شناخته شده اند. به عنوان یک مفهوم جرم شناختی، سخت کردن آماج به تقویت آماج بالقوه جرم به منظور پیشگیری از جرم از طریق کاهش یا به حداقل رساندن خطر حمله اشاره دارد. بنابر این، این هدف، برای مجرم بالقوه این الزام را ایجاد می کند که برای ارتکاب جرم تلاش بیشتری نماید.

با این حال همه مکان ها نمی توانند به عنوان آماج جرم در نظر گرفته شوند. یک بررسی امنیتی، می تواند مکان های با خطر جرم بالاتر را از طریق مرور تکرار جرائم قبلی یا مشکلات موجود در مدت استفاده (درگیری بین کاربران، سوءاستفاده ها، حوادث و غیره) برجسته کند.

فضاهای دیگری نیز می توانند بحرانی در نظر گرفته شوند در صورتی که عملکرد راهبردی شان آنها را برای کار های شهر مهم کرده باشد. مراکز فنی یعنی جاهایی که امکاناتی نظیر برق، گاز، آب، تلفن در آنجا واقع شده اند، به طور ویژه ای نگران کننده هستند تمام این فضاها از حیث تامین امنیت نیاز به حمایت یا مدیریت خاص دارند و نقشه آنها نیز باید با توجه به ویژگی حساس شان برنامه ریزی شود (محمد نسل، ۱۳۹۳، ص ۱۳۵).

راهبرد های اصلی سخت کردن آماج:

۱. شناسایی فضاهای پر خطر و آماج بالقوه جرم
۲. فراهم نمودن اقدامات خاص حفاظتی و نظارتی
۳. سخت تر کردن فیزیکی آماج

**نتیجه**

گسست در ساختار فضایی- اجتماعی شهرها در روند برنامه های توسعه امروز، موجب ناکار آمدی طرح های توسعه شده است و نگاه کلان و محیط ساخت شده بر رفتار انسان تاثیر گذار است. از سوی دیگر، محیط می تواند با ایجاد فرصت برای محیط جرم، مجرم را تشویق به ارتکاب جرم نماید و از طرف دیگر می تواند با افزایش قابلیت نظارت ساکنان بر محیط از وقوع جرم پیش گیری کند نظریه طراحی محیط بر این ادعا غاسستوار است که می توان با طراحی دست و کاربری مناسب از فضا علاوه بر تاثیر مثبت بر کیفیت زندگی از وقوع جرم هم پیش گیری کرد این نظریه با توجه به ارکانی که می توان برای آن نام برد به دنبال این است با بالا بردن احساس تعلق به مکان تفکیک میان فضای عمومی و خصوصی افزایش رعیت پذیری و نظارت سخت کردن آماج جرم و محدود کردن دسترسی فرصت های مجرمانه را کاهش دهد. فرصتهایی که در رهیافت مکانیکی در پیش گیری از جرم علت اصلی وقوع جرم محسوب می شوند. البته این نظریه ادعای کنترل تمام جرایم ندارد ولی در قالب یک سیاست جامع پیش گیری می تواند از اثر مطلوبی برخوردار باشد.

**منابع و ماخذ**

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن محمد (۱۳۵۲)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. پور احمد، احمد، محمد تقی رهنمایی و محسن کلانتری (۱۳۸۲)، "بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران"، پژوهش- های جغرافیایی، شماره ۴۲.
۳. پرادل، ژان (۱۳۸۱)، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابراند آبادی، چاپ اول تهران، سمت.

۴. صالحی، اسماعیل (۱۳۸۶)، "نقش آسایش محیطی فضاهاى شهری در پیش‌گیری از ناهنجاری‌های رفتاری"، محیط‌شناسی، سال سی و سوم، شماره ۴۴.
۵. زمیل، گئورگ (۱۳۷۲) "کلان شهر و حیات ذهنی"، ترجمه یوسف ابادری، نامه علوم اجتماعی، شماره سوم (۶).
۶. نجفی ابراند آبادی، علی حسین (۱۳۷۷)، "بزهکاری، احساس نا امنی و کنترل بزهکاری"، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۲۲.
۷. مطلبی، قاسم (۱۳۸۰)، "روانشناسی محیطی دانش نوع در خدمت معماری و طراحی شهری"، نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران شماره ۱۰.
۸. کلارک، رونالد (۱۳۸۴)، "بستن کوچه‌ها و معابر و کاهش جرم"، ترجمه مهدی مقیمی و مجید قورچی بیگی، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم شماره ۴.
۹. کوسن، موریس (۱۳۸۴)، "نظارت ویدویی، دلایل موفقیت و شکست" ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۴ و ۱۵.
۱۰. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۳) "پیش‌گیری از جرم ز طریق طراحی محیطی"، انتشارات بنیاد حقوقی میزان.